

گرایش‌های سیاسی نخبگان سیاسی

دکتر قربانعلی سبکتکین ریزی*

دکتر محمد ابراهیم موحدی**

تاریخ دریافت: ۸۴/۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۸۵/۲/۱۰

چکیده

موضوع این مقاله بررسی جامعه‌شناختی گرایش‌های سیاسی نخبگان سیاسی جامعه است. مقاله حاضر برآمده از یک پژوهش علمی به روش پیمایشی است که در بین نخبگان سیاسی جامعه انجام گرفته است. این تحقیق در پی تبیین زمینه‌های اجتماعی گرایش سیاسی فعالان و نخبگان سیاسی به یکی از دو جناح سیاسی مطرح در کشور است. چارچوب نظری تحقیق با تلفیق عناصری از نظریه‌های جامعه‌شناسی چندگانه شکل گرفته است. گرایش سیاسی به عنوان متغیر وابسته یا متغیرهایی چون جامعه‌پذیری سیاسی، پایگاه اجتماعی و تجربه سیاسی مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که گرایش سیاسی افراد مورد بررسی به دو جناح سیاسی، بیش‌ترین رابطه آماری را با جامعه‌پذیری سیاسی و کم‌ترین رابطه را پایگاه اجتماعی آنان دارد. به این معنا که پایگاه اجتماعی مصطلح و مطرح در مباحث قشر‌بندی اجتماعی

* استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران

** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

تبيين کننده نوع گرایش نخبگان سیاسی به جناح محافظه کار یا اصلاح طلب نیست، بلکه نوع جامعه پذیری سیاسی شان، عمدتاً تعیین کننده نوع گرایش سیاسی آنان است.

از نتایج عملی تحقیق، این که فعالیت سیاسی دو جناحی امری عرفی شده و عادی محسوب شود و هرگونه احساس نگرانی امنیتی - سیاسی برای نظام کلی اجتماعی از قبل این فعالیت بی مورد قلمداد گردد. لکن برای جلوگیری از خروج این پدیده عادی از حالت بهنجار و تبدیل شدن آن به بحران سیاسی و ایجاد شکاف بین حوزه سیاسی و حوزه عمومی باید برنامه ریزی شود.

واژه های کلیدی: گرایش های سیاسی، نخبگان سیاسی، فعالان سیاسی، جامعه پذیری سیاسی، تجربه سیاسی، پایگاه اجتماعی، قشر بندی اجتماعی، جناح محافظه کار، جناح اصلاح طلب

مقدمه

بیش از یک دهه است که در بین سطوحی از فعالان سیاسی و حتی در افکار عمومی، دو جناح سیاسی عمده مطرح است و درباره آن بحث و گفت و گو می شود. این دو جناح با عنوان جناح سیاسی اصلاح طلب و جناح سیاسی محافظه کار معروف شده اند. وجود این پدیده دو جناحی که نقش مؤثر و تعیین کننده ای در معادلات سیاسی جامعه ایران ایفا می کنند، از سال ها قبل، چه از طرف خود نخبگان، فعالان و رهبران سیاسی و چه از طرف مردم و افکار عمومی و چه از طرف ناظران، محققان و مفسران داخلی و خارجی به رسمیت شناخته شده است و درباره آن آثار و مقالاتی با ماهیت و کیفیت مختلف ارائه و منتشر شده است (ظریفی نیا، ۱۳۷۸؛ ذکریایی، ۱۳۸۰؛ کاشی، ۱۳۷۹؛ Adib, 2003).

به هر حال، این پدیده سیاسی - اجتماعی به عنوان یک واقعیت اجتماعی در آثار و بررسی های گذشته به طور علمی جامعه شناسانه مورد بررسی قرار نگرفته است. مقاله حاضر که نتیجه یک پژوهش پیمایشی - دانشگاهی است، در پی تبیین این واقعیت

جامعه‌شناختی است. لذا به عنوان یک مسئله اجتماعی (شامل بر مسئله سیاسی) مطرح می‌شود و در چارچوب نظریات جامعه‌شناسی مورد بررسی، توصیف و تحلیل قرار می‌گیرد.

طرح مسئله

مسئله تأثیر عقاید، ارزش‌ها و نگرش‌های نخبگان سیاسی در جهت‌دهی سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلی جامعه، در جامعه‌شناسی سیاسی از موضوعات بسیار بحث‌برانگیز و مورد توجه صاحب‌نظران این رشته است. خصوصاً در دهه‌های تاریخ معاصر نقش نخبگان سیاسی و گرایش‌های آن‌ها بیش از گذشته در تصمیم‌سازی‌های سیاسی مورد توجه محققان قرار گرفته است و کارهای علمی مهمی در جهان در این حوزه انجام شده است.

نگرش‌ها و گرایش‌های نخبگان سیاسی معمولاً یکی از تأثیرگذارترین عوامل بر ساختارهای سیاسی جامعه بوده است (راش، ۱۳۷۴: ۲۱۴-۲۱۷؛ باتومور، ۱۳۶۹: ۷۷). تأثیرگذاری گرایش‌های فکری و ایدئولوژیک در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی و نظامی دولت، نمود عینی و عملی پیدا می‌کند (اندرو هی‌وود، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۸).

مطالعات و مشاهدات نشان می‌دهد که در ایران امروز چنین نگرش‌ها و گرایش‌های مربوط به نخبگان سیاسی جامعه در قالب دو جناح سیاسی عمده مطرح شده است. کنش اجتماعی - تاریخی نخبگان سیاسی در دهه‌های اخیر که ناشی از نوع گرایش و نگرش سیاسی آن‌ها بوده است، موجب به وجود آمدن جریان‌ها و مسائل سیاسی - اجتماعی معتنا بهی در جامعه شده است. جریان‌های سیاسی در سال‌های اخیر حاکی از وجود نوعی دوگانه‌گرایی سیاسی (political dualism) بین نخبگان سیاسی است. مطالعات نشان می‌دهد این دوگانه‌گرایی نخبگان سیاسی جامعه را به دو گروه یا تیپ سیاسی عمده تقسیم کرده است. به این دو تیپ فکری و سیاسی نخبگان در ادبیات

جامعه‌شناسی سیاسی «جناح» (wing) گفته می‌شود. اصل وجود و حضور این دو جناح سیاسی (political wings) در صحنه سیاسی ایران از سوی برخی محققان مورد مطالعه و تأیید قرار گرفته است (ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸؛ کاشی ۱۳۷۹؛ ذکریایی، ۱۳۸۰ و...). اوج حضور و بروز این دوگانه‌گرایی سیاسی یا دو جناح بزرگ در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ و ۱۳۸۰، همچنین انتخابات مجلس ششم و مجلس هفتم ایران تجلی یافت. از زمان رویدادهای مذکور شکاف بین این دو جناح عمیق‌تر و فاصله بین آن‌ها بیش‌تر شده و بنا به گفته اندرو هی‌وود آثار آن در ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه نمود عینی پیدا کرده است. به نظر می‌رسد ساختار سیاسی امروزی جامعه ایران نمودی از گرایش‌های دو جناحی نخبگان سیاسی باشد که بعضی در درون حکومت (government) و برخی هم خارج از آن یا درون مجموعه دولت (state) با یکدیگر به چالش و مبارزه مشغولند. در مقاطعی این گرایش‌های دوگانه و ازهم‌گریز چنان زیاد بوده که نظام سیاسی را تا حد بحران سیاسی و اجتماعی پیش برده و حتی نظام را با خطر بحران مشروعیت مواجه نموده است.

اکنون پرسش از چرایی این پدیده است. زمینه‌ها و ریشه‌های اجتماعی آن چیست؟ از آنجایی که در طرح مسئله باید رابطه دو یا چند متغیر را بیان کرد (کرلینجر، ۱۳۷۶)، باید گفت رابطه گرایش سیاسی نخبگان سیاسی به عنوان متغیر وابسته با عوامل و زمینه‌های اجتماعی - فردی مانند جامعه‌پذیری سیاسی، پایگاه اجتماعی و تجربه سیاسی، به عنوان متغیرهای مستقل چیست؟ چگونگی ارتباط این دو دسته از مفاهیم و متغیرها مورد بحث و بررسی این مقاله خواهد بود.

ادبیات موضوع و مبانی نظری

چنان چه در مقدمه آمد، در بعضی از آثار و مقالات داخلی و خارجی به موضوع دو جناح سیاسی چپ و راست در ایران که به تدریج اصطلاحات اصلاح طلب و محافظه کار معادل آن‌ها به کار رفت، پرداخته شده است. به نظر می‌رسد در این قسمت

در مورد خود واژه‌های چپ و راست و کاربرد جهانی این واژه‌ها در متون و ادبیات علمی جامعه‌شناسی سیاسی باید تأمل بیش‌تری شود. یکی از صاحب‌نظران به نام ربرتو بایو در اثر خود تحت عنوان چپ و راست (۱۹۹۸) این دو اصطلاح را به عنوان یک ابزار تمایز و تفکیک سیاسی همواره دارای کارکرد تحلیلی دانسته است.

طبق نظر صاحب این اثر، از دو واژه متقابل چپ و راست می‌توان استفاده تاریخی، توصیفی و نوع‌شناختی (typological) کرد، همان‌طور که اغلب این گونه‌دو بخشی‌های عمده (dichotomy) حوزه‌های معرفتی را به دو نیم تقسیم می‌کنند. دو واژه چپ و راست توصیفی هستند زیرا می‌توانند دو طرف مناقشه را خلاصه و موجز کنند؛ سنجشگر و ارزیاب هستند زیرا می‌توانند یک قضاوت ارزشی مثبت یا منفی از هر طرف که باشد بیان کنند؛ تاریخی هستند زیرا می‌توانند گذر از یک مرحله به مرحله دیگر را در زندگی سیاسی یک ملت نشان دهند.

مسائل بزرگ جوامع نوع انسان را دوقطبی می‌کنند، ایمان در مقابل عقل - در جنگ‌های مذهبی، کاتولیک و پروتستان در مواجهه با یکدیگر یا در تاریخ معاصر، لیبرالیسم (آزادی‌خواهی) در مقابل محافظه‌کاری رقیب هم‌بوده‌اند (Gellner, 1992: 1). از نظر سیر وقایع تاریخی نیز جریان‌های فکری و گرایش‌های سیاسی که با انقلاب فرانسه پدیدار شده و به نام جناح چپ و جناح راست موسوم شده‌اند، در واقع بازتاب همان اندیشه‌ها و دیدگاه‌های دوره روشننگری (لیبرالیستی) و واکنش‌های اندیشه‌ای و سیاسی در مقابل آن به عنوان محافظه‌کارانه (کانسرواتیستی) هستند که تا به امروز تداوم یافته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۴).

محافظه‌کاری معمولاً با سنت همگرایی دارد، از سنت دفاع می‌کند و بر اساس سنت کنش می‌کند. یعنی محافظه‌کاران پایبند به سنت و سنت‌گرا (ritualist) هستند، چرا که به عامل تجربه در طول زمان اهمیت خاصی می‌دهند و به قول تئودور هانریش، «... گذشته باید بر زمان حال چیرگی داشته باشد و باید از نمادها و شیوه‌های جاافتاده زندگی حفاظت کرد. آن‌ها غالباً از آزمون زمان سخن به میان می‌آورند»

(Hon Erich, 1991).

هم‌گرایی سنت و محافظه‌کاری را می‌توان در وقایع فکری و اجتماعی پس از انقلاب فرانسه جست‌وجو کرد. اندیشه سن سیمون (Sant Simont) در مخالفت با جو روشنگری و آزادی‌گرایی و دیگر محافظه‌کارانی مانند دو مستر (J. de Maistre) و دو بونالد (L. de Bonald) در اواخر قرن هیجده و اوایل قرن نوزده را در همین راستا باید مورد بررسی قرار داد. «مشاهده مستقیم آثار افراطی انقلاب و غلبه اندیشه‌های سکولاریستی، این محافظه‌کاران را علاقه‌مند به رجعت به عصر قرون وسطی کرد. مثلاً دو بونالد معتقد بود که روشنگری و انقلاب فرانسه که از این جهت‌گیری فکری ناشی می‌شد، هماهنگی و آرامش دوران قرون وسطی را بر هم زده است. به اعتقاد ایشان، منبع روحبخش هستی و جامعه خداست. از آن‌جا که عقل به عنوان مبنای اندیشه روشنگری مطرح است، از عظمت اندیشه مرسوم در سنت کاسته است. انسان نباید با دخالت خود در خلقت همگونی موجود در هستی را بر هم بزند» (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۰۱).

قرابت سنت و محافظه‌کاری آن‌قدر زیاد است که بعضی از صاحب‌نظران تقابل دو گرایش لیبرالیسم و محافظه‌کاری را تقابل تجدد و سنت قلمداد می‌کنند. یعنی آزادی‌گرایی و گرایش اصلاح‌طلبی (چپ) مدافع تجدد و گرایش محافظه‌کاری (راست) مدافع سنت است. دکتر حسین بشیریه این گرایش‌ها را در قالب شکاف بزرگ تجدد و سنت در جامعه ایران مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است «روی هم‌رفته جامعه ایران به عنوان جامعه‌ای نیمه سنتی - نیمه مدرن و در حال گذار، دارای یک شکاف عمیق است که معمولاً تحت عنوان شکاف تجدد و سنت‌گرایی مطالعه می‌شود. از لحاظ فرهنگی و سیاسی، تقابل میان محافظه‌کاری یا سنت‌گرایی و اصلاح‌طلبی یا مدرنیسم نیز تجلی همان شکاف اصلی است» (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۴).

در ایران نمونه‌های این شکاف خصوصاً در صد سال اخیر، به ویژه در دو مقطع پس از انقلاب مشروطه و پس از انقلاب اسلامی وجود داشته است. شکافی که پس از ورود

مظاهر این پدیده به ایران در جامعه ایجاد کرده است، برخی با نظریه ساختار دوترکیبی (dicomponent structure) تبیین می‌کنند. این نظریه بر آن است که در رابطه‌ای که از برخورد ارزش‌های مدرن غربی و سنتی پدید می‌آید، جوامع شرقی متحول می‌شوند و یک ساختار ترکیبی به خود می‌گیرند (ر.ک به هودشتیان، ۱۳۸۱: ۶۹).

هانتینگتون نیز تنش و تحولات بروز یافته در جوامعی چون ایران را در همین مسیر کلی تحول از سنت به تجدد ولی در قالب نهادمندی سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهد. از دیدگاه وی منشأ اجتماعی بروز تنش‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی در کشورهای کم‌تر توسعه یافته، عدم تطابق و هماهنگی این دو جزء از تحولات اجتماعی است. به طوری که با وقوع تحولات اقتصادی و اجتماعی نیروهای خواهان مشارکت افزایش می‌یابند. از طرف دیگر نهادمندی سیاسی مناسب جهت هدایت این مشارکت‌جویی‌ها در جامعه تعبیه و تأسیس نشده است (Huntington, 1968).

اما آن چه از نظر ماکس وبر در خصوص تبیین جناح‌بندی سیاسی می‌توان استفاده کرد، بهره‌برداری از نظریه الگوهای کنش اجتماعی وبر و نظریه فرآیند عقلانی شدن امور است. در جامعه‌شناسی وبر چهار نوع کنش اجتماعی باز شناخته شده‌اند. انسان‌ها می‌توانند به یک کنش غایتمندانه معقول یا هدفدار دست یازند؛ کنش آن‌ها معطوف به ارزش باشد؛ ممکن است به انگیزش‌های عاطفی یا احساسی عمل کنند و سرانجام این که انسان‌ها ممکن است دست به یک کنش سنتی بزنند. وبر بیشتر به جامعه نوین غرب پرداخته بود، یعنی همان جامعه‌ای که به نظر او رفتار افراد آن هر چه بیشتر تحت تأثیر سلطه معقولیت هدفدار در آمده است؛ حال آن که در دوران پیش از این، رفتار انسان‌ها بر انگیخته از سنت، محبت (عاطفه) یا معقولیت معطوف به ارزش بود (کوزر، ۱۳۶۸: ۳۰۰). ما انواع مذکور از کنش اجتماعی را قابل تقلیل و تحلیل به دو نوع کلی از الگوهای کنش اجتماعی می‌دانیم: کنش اجتماعی عقلانی و کنش اجتماعی سنتی که ابعادی از دو نوع کنش اجتماعی دیگر (عاطفی و ارزشی) در یکی از این دو نوع کنش کلی قرار می‌گیرند.

ماکس وبر به نوعی روند تحولی جوامع بر اساس عنصر عقلانیت بعد از رنسانس قایل است. در این فرآیند هر جامعه‌ای زمینه‌ساز نوع خاصی از کنش اجتماعی و سیاسی و حتی نوعی سلطه سیاسی است. به عبارت دیگر، در جامعه سنتی تسلط کنشی با کنش سنتی (معطوف به سنت و عاطفه) و در جامعه جدید با کنش عقلانی است. از بازسازی و تبیینی که هابرماس از نظریه ماکس وبر ارائه می‌دهد، ماهیت‌گذار پراهمیت از جامعه «سنتی» به جامعه «نوین» نمود می‌یابد که هابرماس آن را از طریق بازسازی نظریه عقلانی شدن وبر انجام داده است. گذار مزبور فرآیندی است که مدت‌ها پیش از انقلاب صنعتی آغاز شده است و امروزه نیز همچنان ادامه دارد (Habermas, 1984: 282).

تناظر نوع مثالی با مفاهیم سیاسی چپ و راست

با توجه به این که در طرح مسئله تحقیق، مفاهیم سیاسی گرایش چپ و راست نیز مطرح شده است، اکنون این پرسش مطرح می‌شود که ارتباط موضوعی و مفهومی بین انواع کنش یاد شده در بحث قبلی (سنتی و عقلانی) با مفاهیم چپ و راست و ارتباط این مفاهیم با مفهوم آزادی‌گرایی (liberalism) و مفهوم محافظه‌کاری (conservatism) چیست؟

بر اساس شواهد موجود و از نظر اکثر صاحب‌نظران و نویسندگان، ابداع اصطلاح چپ و راست به مفهوم سیاسی آن و مواضع و دیدگاه‌های معنادار اجتماعی - سیاسی که از آن مستفاد می‌شود، به اواخر قرن هیجدهم و زمان وقوع انقلاب فرانسه برمی‌گردد. به عبارت دیگر، خاستگاه این مفاهیم اجتماعی - سیاسی انقلاب کبیر فرانسه است (آشوری، ۱۳۷۹؛ اندرو هی‌وود، ۱۳۷۹؛ آلبِر سوبول، ۱۳۵۹؛ ظریفی‌نیا، ۱۳۷۸؛ گیدنز، ۱۳۸۲ و ...). خاستگاه اصطلاح چپ و راست و اصطلاح‌های هم‌ردیف آن مانند جناح چپ و راست و ... انقلاب فرانسه است که در مجمع ملی آن نمایندگان انقلابی تندرو و [خواهان تغییر] در طرف چپ و محافظه‌کاران در طرف راست می‌نشستند. در

آن روزگار این دو اصطلاح معنای روشن و جدایی از هم داشت، یعنی چپ به معنای انقلابی بودن و هواداری از تغییر و دگرگونی بیشتر بود و راست به معنای مخالفت با هرگونه دگرگونی یا حدودی از بازگشت به گذشته یا بازگشت کلی بود (آشوری، ۱۳۲۲).

چارچوب نظری

نظریه‌های جامعه‌شناسی که چارچوب نظری مقاله را شکل می‌دهند عمدتاً حول محور مفهوم جامعه‌شناختی جامعه‌پذیری سیاسی (political socialization) می‌چرخند.

توجه به رفتار سیاسی که با اقتباس از شاخه علمی رفتارگرایی وارد حوزه معرفتی جامعه‌شناسی سیاسی گردید، و متعاقب آن، موضوعاتی مانند یادگیری اجتماعی و اجتماعی شدن سیاسی، در نظریه‌پردازی‌های جامعه‌شناسی سیاسی مطرح شد (Apter, 1981: 216).

اجتماعی شدن، فرآیندی است روانی-اجتماعی که بر پایه آن شخصیت اساسی تحت تأثیر محیط و مخصوصاً نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی تشکیل می‌یابد (آلن بیرو، ۱۳۷۰: ۳۶۳). یک بعد مهم از ابعاد اجتماعی شدن، بعد سیاسی آن است. با بهره‌گیری از نظریات ارائه شده درباره فرآیند اجتماعی شدن سیاسی می‌توان نگرش‌ها، عقاید، گرایش‌ها و رفتارهای سیاسی را مورد تحلیل جامعه‌شناختی قرار داد.

بررسی مشارکت سیاسی نیز که یکی از موضوعات جامعه‌شناسی سیاسی است، با توجه به عوامل مؤثر در جامعه‌پذیری سیاسی صورت می‌پذیرد (کمالی، ۱۳۷۴: ۱۲). اجتماعی شدن سیاسی یک واقعه یا حادثه نیست، بلکه یک فرآیند است که بستگی به علل و عوامل مختلف شخصی، اجتماعی و محیطی دارد. آن چه امروزه در تحقیقات جامعه‌شناسی سیاسی جلب توجه می‌کند، در واقع این است که با اجتماعی شدن سیاسی، افراد مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها و آرای را کسب می‌کنند که بر اساس آن‌ها به

کنش سیاسی دست می‌یازند.

نظریه اجتماعی شدن جورج هربرت مید

مید (G. H. Mead) که یکی از جامعه‌شناسان بنام امریکایی قرن بیستم و بنیانگذار نظریه جامعه‌شناسی کنش متقابل نمادی است، اصول جامعه‌شناسی خود را بر مبنای رفتارگرایی اجتماعی قرار داده است (Ritzre, 1988; Parsons, 1965; C. W. Morris, 1962).

به نظر مید، رفتار افراد در اجتماع و در کنش متقابل (interaction) با دیگر افراد در اجتماع شکل می‌گیرد. خود (self) هر کس در اجتماع و در تعامل پنداشتی و برداشتی با دیگران به وجود می‌آید. «جامعه نیز عبارت از «خودهایی» است که با یکدیگر در کنش متقابل قرار دارند و این کنش‌ها در ارتباط با دیگران وقوع می‌یابند (توسلی، ۱۳۶۹: ۳۱۹). بنابراین، نظریه مید این است که خود و هویت او اجتماعی است، تعاملی است و در جامعه به وجود می‌آید. می‌توان نتیجه گرفت که انسان جامعه‌پذیر است. و جامعه‌پذیری وی رفتارش را شکل می‌دهد.

ساخت خود فرد الگوی عام رفتاری گروهی را که به آن تعلق دارد، منعکس می‌کند. چنان‌که ساخت خود فرد هر یک از افراد دیگر نیز به گروه اجتماعی اش تعلق دارد. آن چه خود را شکل می‌دهد، سازمانی از نگرش‌هاست که در گروه مشترک است (Parsons, 1965: 163-165).

همان‌طور که مید برای هر فرد یک «خویش اجتماعی» (social self) قائل است و شکل‌گیری این خویش را در جریان تعامل فرد با دیگران در جریان‌های اجتماعی میسر می‌داند، «خویش سیاسی» (political self) نیز مفهومی است که به بعدی از اجتماعی شدن اطلاق می‌گردد که ماهیت و جهت سیاسی دارد و نتیجه آن، گرایش و جهت‌گیری (orientation) فرد به سوی نوع خاصی از رفتار سیاسی است.

پای (L. Pye) نوع جامعه‌پذیری سیاسی را در انواع جوامع و بافت سنتی یا صنعتی

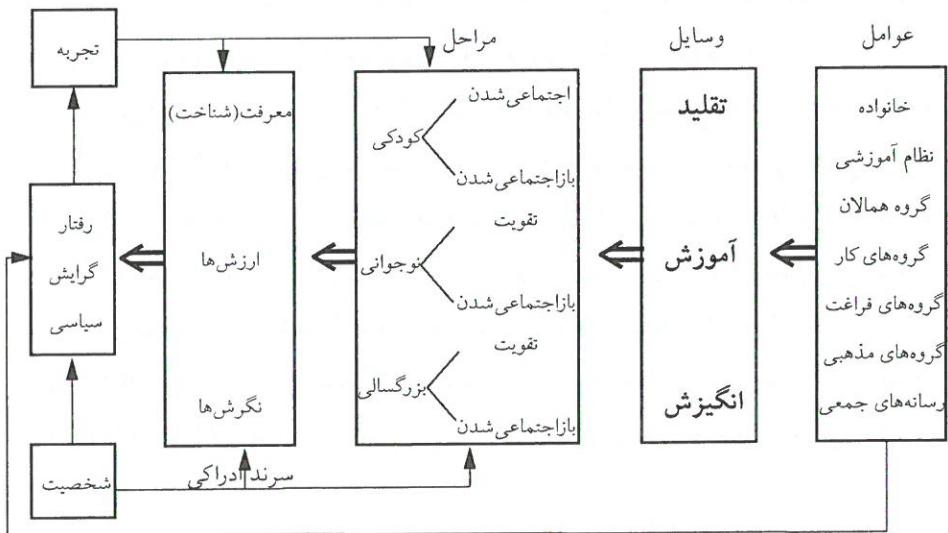
آن‌ها متفاوت و متمایز می‌داند. از دیدگاه وی «در بیش‌تر جوامع سنتی تأکید اولیه در جامعه‌پذیری احترام به اقتدار و تسلیم در برابر آن است. از فرزندان انتظار می‌رود که اقتدار والدین خود را بی‌هیچ پرسشی بپذیرند و از فرودستان انتظار این بوده که از فرادستان سیاسی و اجتماعی کاملاً پیروی نمایند. پاداش اصلی آن‌ها وظیفه‌شناسی و دلخوشی ناشی از وابستگی است» (پای، ۱۳۸۰: ۲۱۷). اما در جوامعی که ثبات سنتی آن‌ها سست شده و نهادهای اجتماعی و سیاسی سنتی آن‌ها تضعیف شده و اقتدار آن‌ها رو به تحلیل است، نوع دیگری جامعه‌پذیری سیاسی را اقتضا می‌کند.

دو تن از صاحب نظران جامعه‌شناسی به نام‌های هارالامباس (M. Haralambos) و هولبورن (M. Holborn) بر این نظرند که بین نوع اجتماعی شدن سیاسی با نوع و میزان مشارکت و فعالیت سیاسی رابطه وجود دارد. ایشان ضمن اعتراف به تأثیر انکارناپذیر خانواده در اجتماعی کردن افراد و تأثیر در گرایش و کنش سیاسی آن‌ها، بر نقش نهادهای اجتماعی کننده مانند آموزشگاه‌ها، محله‌های سکونت و زندگی (residential area)، اشتغالات و تعلق آن‌ها و اتحادیه‌ها پای می‌فشارند (1991: 166-167). منظور از آموزشگاه‌ها، کلیه مراکز رسمی و غیر رسمی آموزش است.

مایکل راش (M. Rush)، اجتماعی شدن سیاسی را فرآیند یا مسیرهایی می‌داند که کنش یا رفتار سیاسی از آن‌ها می‌گذرد و به منصب ظهور می‌رسد. از دیدگاه وی، اجتماعی شدن در واقع زمینه وقوع رفتار اجتماعی است و از آنجایی که رفتار سیاسی هم یک رفتار اجتماعی است، زمینه‌ها و سرندهای اجتماعی مسبوق به خود را ایجاد می‌کند. این زمینه‌ها ممکن است به وسیله القای عمدی اطلاعات، ارزش‌ها و شیوه‌های عملی سیاسی به وسیله نهادهای رسمی ایجاد شود (Greenstein, 1968: 550) یا به صورت غیررسمی، ناآگاهانه و محیطی اعمال گردد (راش، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

مطابق با چارچوب نظری این تحقیق که مفهوم اجتماعی شدن سیاسی را در یک گستره وسیع (از نظر زمانی، مکانی و موضوعی) لحاظ می‌کند، نظریه راش نیز این معنا

را دربرمی‌گیرد که اجتماعی شدن سیاسی باید به گونه‌ای گسترده‌تر، وسیله‌ای تعریف شود که به کمک آن افراد معرفت سیاسی (political knowledge) یا اطلاعات، ارزش‌های سیاسی یا باورهای اساسی و نگرش‌های سیاسی یا عقایدی را دربارهٔ موضوعات سیاسی کسب می‌کنند (همان منبع، ۱۰۶) و نهایتاً به سوی یک کنش سیاسی رهنمون می‌شوند.



اما در مورد متغیر تجربه که در این مدل، منظور، تجربهٔ سیاسی است، نظریه پردازان مربوط برآنند که در عرصهٔ فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به خصوص برای فعالان و نخبگان سیاسی، سوابق و حوادثی که در گذشته‌های دور و نزدیک برای آنها واقع شده است، به نوعی برایشان جنبهٔ آموزشی و یادگیری داشته است. لذا حوادث گذشته می‌تواند به عنوان تجربیات و آموخته‌های شخصی در ذهنیت و شخصیت فرد عمل کند و کنش سیاسی وی را جهت دهد. چنانچه یکی از روان‌شناسان اجتماعی می‌گوید: «تجربهٔ شخصی به احتمال زیاد در تشکیل وضع‌های روانی بسیاری از افراد سهم مهم و معینی دارد» (آتوکلاینبرگ، ۱۳۶۸: ۵۷۸). منظور از وضع‌های روانی، طرز تلقی‌ها،

تیپولوژی ارزش‌ها و کنش‌های دو دسته کنشگران مورد بررسی بر اساس ایده آل تایپ و بری

(بر حسب معیار سنت و تجدد) متناظر با گرایش‌های سیاسی محافظه‌کاری و لیبرالی

گرایش سیاسی لیبرالی اصلاح طلبی چپ ایران	گرایش سیاسی محافظه‌کاری سنت‌گرایی جناح راست ایران
<p>خردگرایی فردگرایی تاویل‌گرایی (تنوع فرائت) اثبات‌گرایی کثرت (در اصول و عقاید) تسامح و تساهل (در فرهنگ) دنیاگرایی اومانسیم (انسان‌مداری) علم‌گرایی نسبی‌گرایی کارکردگرایی عقلانیت ابزاری (منطقی و مادی)</p>	<p>سنت‌گرایی جمع‌گرایی نص‌گرایی (صراحت فرایت‌ناپذیر) ارزش‌گرایی وحدت (در اصول و عقاید) تشدید در تحدید (در فرهنگ) آخرت‌گرایی تیوبیسیم (خدمت‌محوری) ایمان‌گرایی (اسطوره‌سازی) مطلق‌گرایی غایت‌گرایی عقلانیت اشرافی (عبادی و الهی)</p>
<p>تغییر و تحول (سیاسی) آزادی و اباحه عمل و نتیجه تکثر و تحزب جامعه‌باز واقع‌گرایی تقدس‌زدایی (از سیاست) حکومت دموکراتیک</p>	<p>ثبات و تحفظ (سیاسی) چارچوب و خط قرمز تکلیف و تقید توده‌ای و بسیج جامعه بسته آرمان‌گرایی تقدس‌گرایی (در سیاست) حکومت تیوکراتیک</p>
<p>دخالت دولت اقتصاد دولتی سرمایه‌گذاری خارجی صنعتی</p>	<p>عدم دخالت دولت اقتصاد آزاد تکیه بر منابع و نیروهای داخلی تجاری</p>
<p>جامعه مدنی صلح و سازش یکسانی حقوق و روابط واگرایی روابط بین دین و سیاست ضابطه با قانون حقوق ترمیمی</p>	<p>مدینه النبی ستیز و ستبری خودی و غیرخودی همگرایی رابطه بین دین و سیاست رابطه با کاریزما حقوق تنبیهی</p>

حوزه فکر و اندیشه (فرهنگی)

حوزه روش و منش (سیاسی)

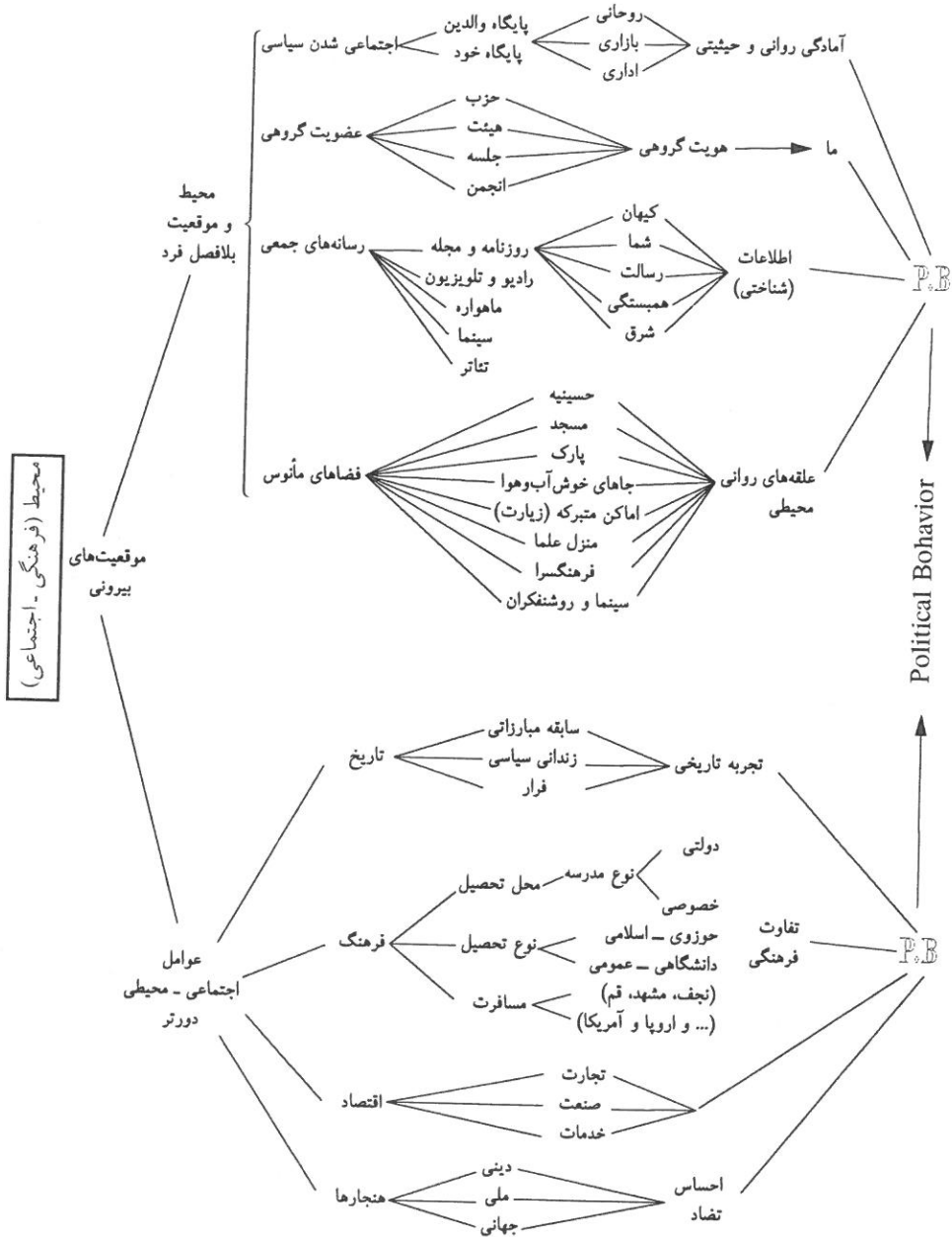
حوزه معادله و تولید

حوزه روابط و ضوابط

نگرش‌ها و گرایش‌های به وجود آمده در افراد است که کنش سیاسی آن‌ها را شکل می‌دهد.

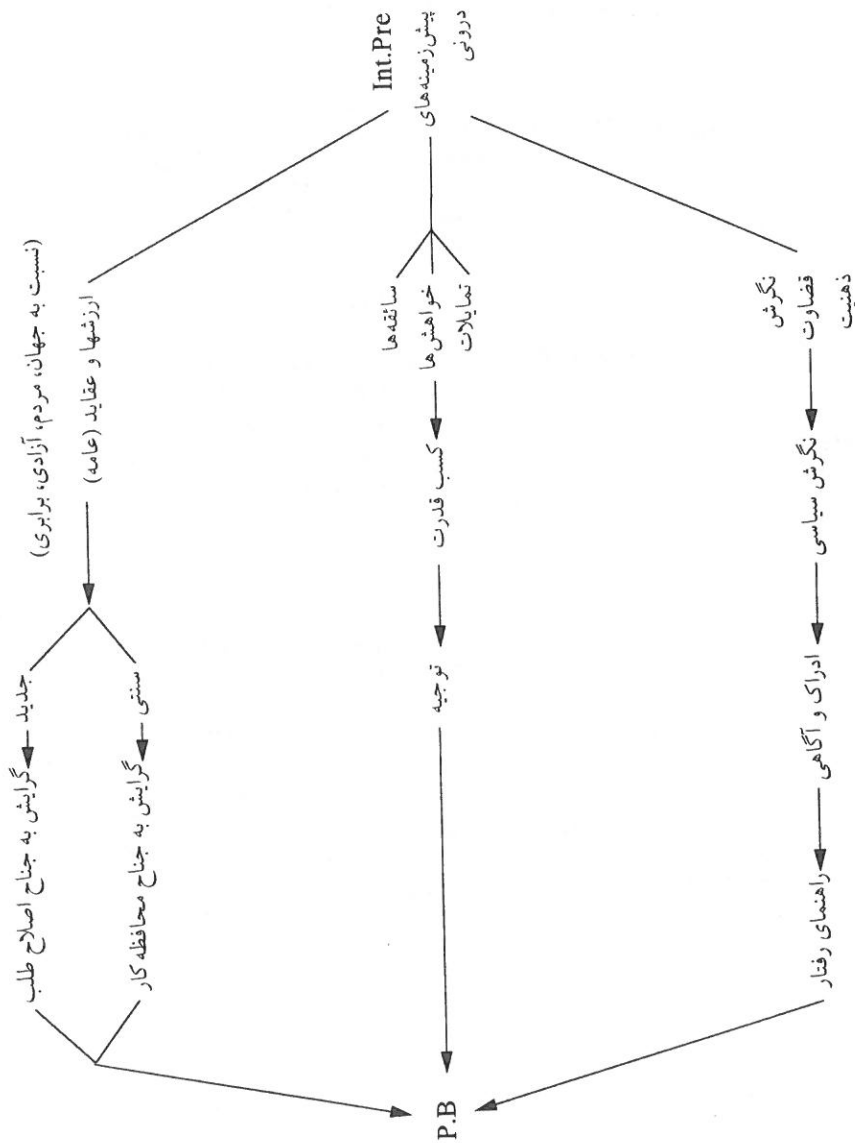
بنابراین نظریه‌های مرتبط با جامعه‌پذیری سیاسی که برای تشریح آن از نظریه‌پردازی‌های موجود در شاخه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی مانند روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، سیاست و حتی علوم تربیتی و روان‌شناسی و محیط‌شناسی انسانی استفاده شده است، با عنایت به این تنوع نظری، برای مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی حوزه‌ معنایی گسترده‌ای فرض و تعریف شده است. این گسترده‌ای تا آن جایی پیش می‌رود که اغلب فضاها و محیط‌هایی را که فرد را در بر گرفته و فرد در آن و با آن می‌زید، شامل می‌شود. همچنین روابط، فعالیت‌ها و تعاملات فرد را نیز در بر می‌گیرد. فضاهای محیطی - اجتماعی مرتبط با افراد، نوع فعالیت‌های سیاسی، سوابق فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، علایق و سلیق شخصی، محیط‌های پرورش و مکان‌های مورد توجه و انس، نوع تحصیلات علاوه بر میزان تحصیلات (حوزوی یا دانشگاهی)، نوع مدارس محل تحصیل، شغل و روند شغلی، نوع روابط اجتماعی و اقتداری (گرایش‌های شخصیتی)، خانواده و ماهیت آن، نوع روابط در آن، گروه‌های مرجع در روابط و تصمیم‌گیری‌ها، دیگران مهم و ... از مؤلفه‌ها و شاخص‌های این مفهوم بزرگ جامعه‌شناختی به شمار می‌روند. این مفهوم یا متغیر وسیع را که جامعه‌پذیری سیاسی تعاملاتی (Interactive Political Socialization) نامیده‌ایم، از نظریه‌های جامعه‌شناسی جامعه‌پذیری، قشربندی اجتماعی و کنش متقابل نمادی ترکیب یافته است. شمایی از جامعه‌پذیری سیاسی مورد نظر در شکل ذیل در دو بعد بیرونی و درونی (محیطی و فردی) نشان داده شده است.

مدل وسیع و ترکیبی اجتماعی شدن سیاسی - بعد اول



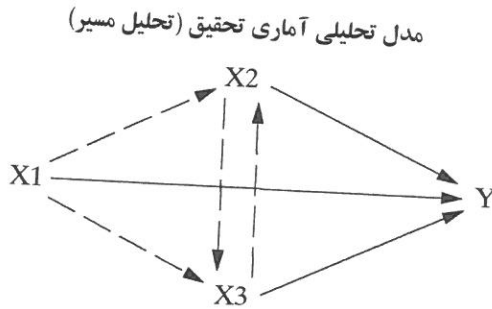
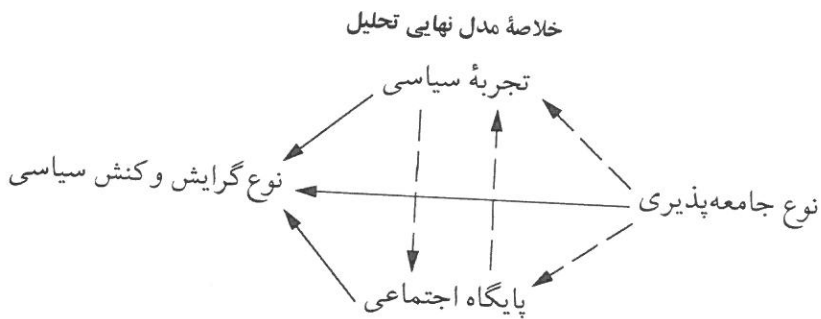
مدل وسیع و ترکیبی اجتماعی شدن سیاسی - بعد دوم

شخصیت (کنش متقابلی)



بنابر آن چه گفته شد، می‌توان گفت چارچوب نظری تحقیق حاضر، هم از نظر بین‌رشته‌ای علوم اجتماعی و هم درون‌رشته‌ای جامعه‌شناسی یک چارچوب تلفیقی است.^(۱)

خلاصه مدل‌های نظری و تحلیلی تحقیق به شرح ذیل آورده می‌شود.



فرضیه‌های تحقیق

۱- بین پایگاه اجتماعی افراد با گرایش سیاسی آن‌ها رابطه وجود دارد. هر چه پایگاه

۱- برای آگاهی بیشتر تر از تحقیقات و مقالات با چارچوب نظری تلفیقی رجوع شود به: **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳. مقالات ذیل: «تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی» (چلبی)، «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران» (توسلی)، «زنان و نهادهای مدنی» (عبداللهی)، «اعتماد اجتماعی و جنسیت» (آزاد ارمکی).

اجتماعی افراد بالاتر باشد، احتمال گرایش سیاسی آن‌ها به جناح محافظه‌کاری بیشتر است و بالعکس.

۲- بین جامعه‌پذیری سیاسی و تعاملات اجتماعی افراد با گرایش سیاسی آن‌ها رابطه وجود دارد. هر چه این امر سنتی‌تر باشد، احتمال گرایش سیاسی آنان به جناح محافظه‌کار بیشتر و هرچه این فرآیند مدرن‌تر باشد، گرایش به جناح اصلاح طلب بیشتر است.

۳- بین تجربه سیاسی افراد با گرایش سیاسی آن‌ها رابطه وجود دارد. هر چه تجربه سیاسی افراد بیشتر باشد، احتمال گرایش آنان به جناح محافظه‌کار بیشتر است و بالعکس.

۴- بین نوع و ماهیت تحصیلات افراد با گرایش سیاسی آنان به جناح‌های سیاسی رابطه وجود دارد. به طوری که بیش‌تر کسانی که تحصیلات حضوری دارند، به جناح سیاسی راست گرایش دارند و بالعکس.

۵- بین سن افراد و گرایش سیاسی آنان رابطه وجود دارد. هر چه سن بالاتر می‌رود گرایش به جناح محافظه‌کار بیشتر می‌شود و بالعکس.

روش تحقیق

«ماهیت علمی - اجتماعی تحقیق زمینه‌یابی از روی ماهیت متغیرهای آن که می‌توان آن‌ها را به عنوان واقعیت‌های جامعه‌شناختی نامید معلوم می‌شود. واقعیت‌های جامعه‌شناختی از ویژگی‌های افراد است که از عضویت آنان در گروه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد: وابستگی سیاسی و مذهبی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تحصیلات، سن، شغل و مانند این‌ها» (کرلینجر، ۱۳۷۶: ۶۵). بنابراین با توجه به اقتضای مسئله تحقیق و لزوم تعمیم نتایج به ابعادی وسیع‌تر، انتخاب روش پیمایشی به عنوان روش اصلی تحقیق ضرورت می‌یافت.

همچنین از آنجایی که واحد تحلیل تحقیق فرد است، روش پیمایشی یا زمینه‌یابی به

عنوان مناسب‌ترین روش جمع‌آوری اطلاعات، برآورد گردید. با استفاده از این روش با تدوین پرسشنامه‌ای متناسب با موضوع و فرضیه‌های مطرح شده، به افراد نمونه (حضور یا پستی) پرسشنامه ارائه و اطلاعات لازم به صورت دست اول گردآوری شد.

جمعیت آماری و جمعیت نمونه تحقیق

جمعیت آماری این تحقیق نخبگان سیاسی جامعه ایران است. نقطه تمرکز نخبگان

سیاسی در حوزه سیاسی است.

طبق تقسیم تیلی (CH. Tilly) حوزه عمل فعالان سیاسی در مجموعه دولت (state) است که بخشی در درون حکومت و بخشی در خارج از آن قرار دارند. تیلی دسته اول را اعضا (members) و دسته دوم را مبارزان (challengers) نام می‌نهد که هر دو دسته روی هم (چه درون حکومت و چه بیرون از حکومت) حریفان و مدعیان (contenders) را تشکیل می‌دهند. هر چند این دو دسته از فعالان و نخبگان سیاسی در حال رقابت با یکدیگر بر سر کسب یا حفظ قدرت سیاسی هستند، لکن ممکن است بین اعضا و مبارزان ائتلاف‌هایی (coalition) صورت پذیرد (Tilly, 1972: 52-54). جمعیت آماری این تحقیق تقریباً معادل اصطلاح مدعیان یا فعالان سیاسی تیلی است. یعنی مجموعه نخبگان سیاسی که یا برای حفظ قدرت سیاسی یا برای راهیابی به عرصه قدرت سیاسی، مشغول فعالیت حزبی، تبلیغاتی و سیاسی هستند. نهایتاً برای به دست دادن یک چارچوب روشن و مشخص از جمعیت آماری، اعضای فعال احزاب سیاسی کشور که به طور رسمی از وزارت کشور مجوز فعالیت دریافت کرده‌اند و در سطح کشور به فعالیت سیاسی می‌پردازند، جمعیت آماری (population) این تحقیق را تشکیل می‌دهند. برای تعیین یک چارچوب نمونه (sample frame) که همان «فهرست یا مجموعه‌ای از افراد مورد نظر» (الرک وستل، ۱۳۸۰: ۱۱۲) است، بر اساس فهرست اسامی اعضای شورای مرکزی احزاب و تشکل‌های سیاسی موجود و طبق فرمول

نمونه‌گیری $\frac{Nt2p(1-p)}{Nd2+t2p(1-p)}$ حجم نمونه ۲۹۶ نفر تعیین گردید. همچنین با توجه به احتمال وقوع نواقصی در اخذ و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها یا عدم پاسخگویی بعضی از افراد نمونه، جهت بالا بردن دقت احتمالی نمونه و افزایش سطح اعتبار آن، به میزان ۵ درصد حجم نمونه (۱۴ نفر) به آن اضافه شد، به طوری که رقم کل نمونه به ۳۱۰ نفر افزایش یافت و به همین تعداد پرسشنامه تحقیق بین افراد توزیع گردید.

عناصر فرمول نمونه‌گیری:

حجم نمونه = n

تعداد افراد جمعیت = N

تعداد جمعیت آماری = ۱۳۰۰ نفر

ضریب (سطح) اطمینان ۹۵٪ = t

وجود صفت در افراد جمعیت = P

عدم وجود صفت در افراد جمعیت = q

دقت احتمال مطلوب (سطح احتمال مورد نظر) = d

برای سنجش روایی (validity) ابزار گردآوری داده‌ها از آرای کارشناسان و داوران متخصص (روش اعتبار صوری) و دقت در مفهوم‌سازی (conceptualization) (روش اعتبار محتوایی) استفاده شده است. برای سنجش پایایی (reliability) یا تکرارپذیری آزمون، ضمن پیش‌آزمون پرسشنامه و اصلاح پرسش‌ها، از روش توافق داخلی (internal consistency) که ثبات درونی وسیله را اندازه‌گیری می‌کند استفاده شده است. میزان شاخص آلفای کرونباخ برای متغیر وابسته ۰/۶۵ محاسبه شد.

تعریف مفاهیم و متغیرها

متغیر وابسته یا موضوع اصلی این مقاله، گرایش سیاسی نخبگان سیاسی است. در خصوص مفهوم گرایش، یکی از صاحب‌نظران روان‌شناسی اجتماعی می‌گوید: «گرایشی را داشتن، قبل از هر چیز به معنای جهت‌گیری کلی و ارزش‌گذاری نسبت به موضوع معینی بوده است. مثلاً موافق یا مخالف چیزی بودن، چیزی را خوب و بد

دانستن، درست یا غلط پنداشتن و غیره» (کلود تاپیا، ۱۳۷۹: ۳۳)

لذا می‌توان گفت گرایش، نتیجه یک ذهنیت و نگرش است که به کنش اجتماعی منجر می‌شود. آلپورت (Allport) گرایش را به عنوان «حالت ذهنی» که فرد را برای انجام کنش آماده می‌سازد و جزو متغیرهای واسطه غیر قابل مشاهده است، تعریف می‌کند (همان منبع، ۳۵). نوع گرایش یا حالت ذهنی در این تحقیق از نوع سیاسی است. لذا گرایشی که معطوف به رفتار سیاسی یا نظام سیاسی باشد (در این تحقیق) گرایش سیاسی نامیده می‌شود.

در تعریف مفاهیم، مفهوم‌سازی که ساختن مفهوم انتزاعی و تعیین ابعاد برای آن جهت فهمیدن امر واقعی مورد نظر محقق است، از اهمیت خاصی برخوردار است (کامپنهود و کیوی، ۱۳۷۰)، البته تا جایی که استنباط بعدیت از مفهوم ضروری به نظر می‌رسد (بلی لاک، ۱۳۷۲). بر این اساس، مفهوم گرایش سیاسی را بر پایه مطالعات و مباحث نظری می‌توان به سه بعد: اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، و سیاسی تقسیم کرد. در قدم بعدی، طبق گفته کامپنهود و کیوی، پیش از رسیدن به شاخص‌ها می‌توان هر بعد را به مؤلفه‌هایی (component) تجزیه کرد. از آن جایی که در این تحقیق برای گرایش سیاسی دو جهت (oriented) چپ و راست تعیین شده است، برای هر گرایش یا جهت ابعاد سه‌گانه‌ای ترسیم و مؤلفه‌هایی برای آن‌ها تعریف می‌شود. در بعد اقتصادی جهت یا جناح چپ مؤلفه‌هایی مانند حضور دولت در عرصه‌های اقتصادی (اقتصاد دولتی)، اولویت فعالیت‌های اقتصادی صنعتی، دنیاگرایی اقتصادی (به لحاظ نظری)، اولویت توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی و توجه به سرمایه‌گذاری‌های خارجی را می‌توان تعیین کرد.

در بعد اجتماعی-فرهنگی این جناح مؤلفه‌های زیر تعیین می‌شوند: ارزش‌های ملی گرایانه آزادی کامل یعنی تساهل و تسامح، امکان تغییر در سنت‌های فرهنگی و اجتماعی، تکثرگرایی فرهنگی و دینی. در بعد سیاسی، برای این جناح مؤلفه‌های ذیل تعیین شده است: رویکرد شهروندی در عمل سیاسی، تقدس‌زدایی در سیاست و

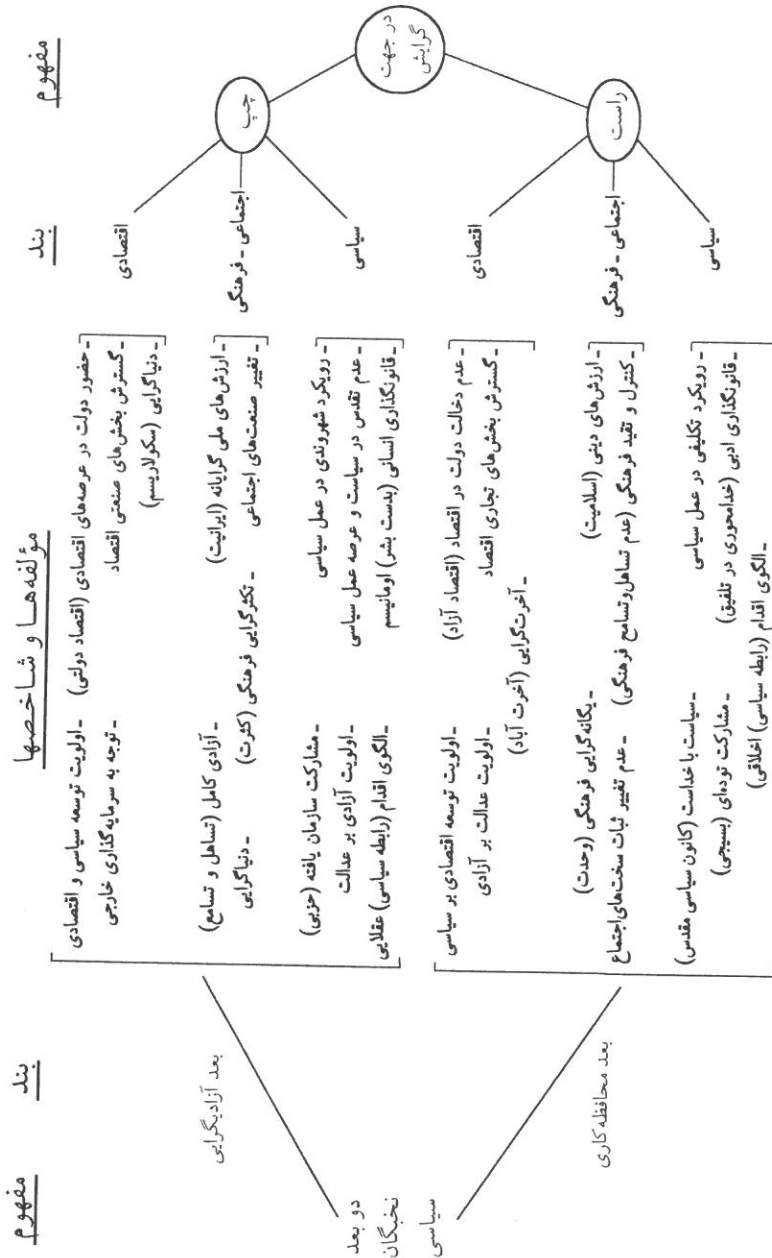
عرصه عمل سیاسی، قانون‌گذاری انسانی و به دست انسان (اومانیزم)، مشارکت سازمان یافته مردم در سیاست (حزبی)، اولویت آزادی بر عدالت و الگوی اقدام به روابط سیاسی بر اساس اصول عقلانی.

اما در جناح یا جهت‌گیری راست گرایش سیاسی نخبگان، برای بعد اقتصادی، مؤلفه‌های زیر تعیین شده است: عدم دخالت دولت در اقتصاد (اقتصاد آزاد)، اولویت و گسترش فعالیت‌های تجاری نسبت به صنعت، آخرت‌گرایی و آبادکردن آخرت (به لحاظ نظری)، اولویت توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی و اولویت عدالت بر آزادی. در بعد فرهنگی - اجتماعی، مؤلفه‌هایی مانند محوریت ارزش‌های دینی (اسلامیت)، کنترل و نظارت فرهنگی یعنی عدم تساهل و تسامح فرهنگی، عدم اعتقاد به تغییر و استحاله سنت‌های اجتماعی و فرهنگی، یگانه‌گرایی فرهنگی و دینی (وحدت) تعیین شدند.

در بعد سیاسی، مؤلفه‌های رویکرد تکلیفی (دینی) در عمل سیاسی، تقارن سیاست با قداست (اعتقاد به کانون سیاسی مقدس)، قانون‌گذاری الهی (خدایمحموری در تقنین)، مشارکت توده‌ای مردم (بسیجی)، الگوی اقدام در روابط سیاسی بر اساس اصول اخلاقی، و قایل بودن به مشروعیت سیاسی الهی برای حکومت این بعد را تشکیل می‌دهند.

عمل تعیین مؤلفه‌ها تقریباً همان شاخص‌سازی است تا به کمک آن‌ها بتوان ابعاد مفهوم را اندازه‌گیری کرد. برای مفهوم گرایش سیاسی که یک مفهوم پوشیده و مکتوم (latent concept) است، نمی‌توان شاخص‌هایی به روشنی مفاهیم کمی‌تر و آشکارتر مانند درآمد یا حتی پایگاه اجتماعی تعیین کرد. لذا مؤلفه‌های یاد شده در پرسشنامه به صورت گویه‌هایی عینی‌تر به عنوان شاخص‌های اندازه‌گیری مفهوم گرایش تعبیه و به صورت کمی سنجیده شدند.

تعریف عملیاتی مفاهیم گرایش سیاسی و نخبگان سیاسی ایران بر اساس ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصها



پاسخ‌ها در مقیاس لیکرت و در چهار گزینه بسیار مخالف، مخالف، موافق و بسیار موافق تنظیم گردید که به همین ترتیب نمرات ۱ تا ۴ به آن‌ها تعلق گرفت. نمرات پاسخ‌ها برای هر دو گرایش (با استفاده از دستورات count و compute) با یکدیگر جمع شدند و نوع گرایش پاسخ‌گو مشخص گردید.

در بخش متغیرهای مستقل، متغیرهای بیش‌تر و متنوع‌تری وجود دارند که از کمی‌ترین نوع متغیر مانند میزان درآمد و سن تا کیفی‌ترین آن مانند شخصیت سیاسی، تجربه سیاسی و اجتماعی شدن سیاسی را شامل می‌شوند. مفهوم اجتماعی شدن سیاسی، خود، چندین متغیر مهم و تعیین‌کننده را دربرمی‌گیرد، مانند نوع روابط در خانواده، نوع عضویت‌های گروهی و حزبی (هویت گروهی)، نوع تعاملات و ارتباطات اجتماعی، نوع برخورد با وسایل ارتباط جمعی و چند متغیر جزئی دیگر.

همان‌طور که در چارچوب نظری آمد، در این تحقیق مفهوم اجتماعی شدن به معنای بسیار وسیعی به کار رفته است به طوری که حتی متغیرهایی مانند پایگاه اجتماعی، نوع و محل و محیط تحصیل، و علقه‌های روانی - محیطی نیز درون این مفهوم کلی قرار می‌گیرند.

منظور از جامعه‌پذیری سیاسی به عنوان جامع‌ترین و شامل‌ترین متغیر تأثیرگذار بر گرایش سیاسی افراد مورد بررسی در این تحقیق، «فراگردی است که طی آن افراد به مجموعه‌ای از نظریات، عقاید، آگاهی‌ها، اطلاعات و احساسات دست می‌یابند و وقایع سیاسی محیط خود را ارزیابی می‌کنند» (مهرداد، ۱۳۷۶: ۲۸). بعضی صاحب‌نظران برای گرایش سیاسی (political tendency) سطوحی مختلف قائلند که شامل عقاید، ایستارها و ارزش‌ها می‌شود، و به واسطه جامعه‌پذیری، خود را همراه با رشد سنی و تجربی تقویت یا تصحیح می‌کند» (قوام، ۱۳۶۹: ۲۲۷).

یکی دیگر از متغیرهای مستقل، پایگاه اجتماعی است که با استفاده از شاخص‌های کمی درآمد، تحصیلات و شاخص‌های کمی شده شغل (ساختگی) اندازه‌گیری شده است.

متغیر دیگر موجود در مدل تحلیلی تحقیق که فرع بر جامعه‌پذیری سیاسی و از نظر تقدم و تأخر، متأخر بر آن است، تجربه سیاسی است. تجربه سیاسی که از یک نظر، خود، محصولی از فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی است، در این تحقیق به داشتن سوابق فعالیت، اشتغال فکری و ذهنی نسبت به نظام سیاسی، داشتن مطالعات سیاسی و مشارکت‌های عملی در فعالیت‌های سیاسی قبل و بعد از انقلاب تعریف می‌شود.

توصیف و تحلیل داده‌ها

۱- توصیف برخی خصوصیات اصلی جمعیت آماری

نحوه توزیع افراد و جمعیت نمونه بر حسب کلیه متغیرها، ابعاد و مؤلفه‌های آن، بررسی شده و در قالب جداول توصیفی تنظیم گردیده است.

جدول شماره ۱-۱- توزیع افراد جمعیت نمونه بر حسب گروه‌های سنی از نظر سنی، کلیه افراد واقع در جمعیت نمونه در یک طیف ۵۵ ساله قرار می‌گیرند. به طوری که کوچک‌ترین فرد در بین این جمعیت در سن ۲۱ سالگی به سر می‌برد که تنها یک فراوانی را به خود اختصاص داده است

میانگین = ۴۴ میانه = ۴۵ نما = ۵۰ کم‌ترین = ۲۱ بیش‌ترین = ۷۵
بزرگ‌ترین فرد ۷۵ سال سن دارد. حدود ۲۰ درصد از این جمعیت در سنین ۳۵ سال و کم‌تر از آن قرار گرفته‌اند. عمده جمعیت مورد بررسی یعنی بیش ۶۰ درصد را افراد میانسال یعنی از نزدیک ۴۰ سال تا ۵۵ سال تشکیل می‌دهند. کم‌تر از ۱۰ درصد جمعیت نیز مسامحتاً در سنین سالخوردگی یا بهتر بگوییم سنین رو به سالخوردگی به سر می‌برند. با توجه به میانگین سنی جمعیت که ۴۴ سال است، مشاهده می‌گردد که بیش از نیمی از جمعیت (۵۳/۹ درصد) در سنین ۴۵ سال و کم‌تر از آن قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۱-۲- توزیع جمعیت نمونه بر حسب میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد کل	درصد تراکمی
دیپلم و کم تر	۲۵	۸/۸	۸/۸
فوق دیپلم و لیسانس	۹۱	۳۱/۹	۴۰/۷
فوق لیسانس	۷۳	۲۵/۶	۶۶/۳
دکتری	۹۶	۳۳/۷	۱۰۰
بی پاسخ	۱۵	-	-
جمع	۳۰۰	۱۰۰	-

جدول ۲-۱ نشان می دهد که نخبگان سیاسی فعال در احزاب و تشکل های رسمی دارای تحصیلات متوسط و بالاتر هستند، به طوری که فقط ۸/۸ درصد تحصیلات در سطح دیپلم و پایین تر از آن دارند.

میانگین = ۱۸/۲۵ میانه = ۱۸ نما = ۱۶ کم ترین = ۶ بیش ترین = ۳۵

صاحبان مدرک فوق دیپلم و لیسانس ۳۱/۹ درصد جمعیت را تشکیل می دهند. تحصیلات ۲۵/۶ درصد از این افراد در حد فوق لیسانس است. افراد واجد مدرک دکتری در بین جمعیت نمونه ۳۳/۷ درصد است. اگر کلیه افراد را از نظر میزان تحصیلات به دو طبقه بالا و پایین تقسیم کنیم، طبقه اول که دارای میزان تحصیلات لیسانس و پایین تر هستند حدود ۴۰ درصد و طبقه دوم که دارای میزان تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر هستند، حدود ۶۰ درصد جمعیت آماری را تشکیل می دهند.

جدول شماره ۱-۳- توزیع جمعیت نمونه بر حسب میزان درآمد ماهیانه (به هزار تومان)

میزان درآمد	فراوانی	درصد خالص	درصد تراکمی
۳۰۰ و کم تر	۸۴	۳۱/۹	۳۱/۹
۳۰۱ تا ۶۰۰	۹۵	۳۶/۱	۶۸/۱
۶۰۱ تا ۹۰۰	۳۲	۱۲/۲	۸۰/۲
بیش از ۹۰۰	۵۲	۱۹/۸	۱۰۰
بی پاسخ	۳۷	-	-
جمع	۳۰۰	۱۰۰	-

میانگین = ۶۹۲ میانه = ۵۰۰ نما = ۵۰۰ کم‌ترین = ۳۰ بیش‌ترین = ۲۰۰۰۰
 طبق ارقام جدول ۱-۳ افراد جمعیت نمونه را که عمدتاً دارای مشاغل و حرف دولتی، مدیریتی و آموزشی هستند و از درآمد ماهیانه نسبتاً ثابتی برخوردارند، به طور کلی می‌توان در چهار گروه طبقه‌بندی کرد. گروه اول که ۳۱/۹ درصد هستند دارای درآمدی حدود ۳۰۰ هزار تومان و کم‌تر از آن هستند. دسته دوم یعنی ۳۶/۱ درصد افراد دارای درآمدی بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان و درآمد گروه سوم یعنی ۱۲/۲ درصد در طیفی بین ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان قرار دارد. چهارمین گروه از افراد جمعیت که حدود ۲۰ درصد پاسخگویان را تشکیل می‌دهند، دارای درآمد بیش از ۹۰۰ هزار تومان در ماه هستند. این طیف درآمدها در بین افراد نشانگر این است که هیچ کدام در فقر مطلق یا نزدیک خط فقر به سر نمی‌برند، بلکه از نظر درآمد جزو افراد متوسط و بالای متوسط جامعه محسوب می‌گردند.
 شاخص درآمد نیز که یکی از شاخص‌های سنجش پایگاه یا منزلت اجتماعی است در نزد افراد نمونه در سطح بالا قضاوت می‌شود.

۲- تبیین داده‌ها

تبیین داده‌های تحقیق با استفاده از آمار استنباطی و در قالب جداول دو بعدی و آزمون‌های آماری مربوط در خصوص متغیرهای اصلی صورت می‌گیرد.

جدول شماره ۲-۱- رابطه گرایش سیاسی افراد با سن آنان

گرایش	گروه‌های سنی		۳۵ سال و کم‌تر		۳۶-۴۵		۴۶-۵۵		بیش از ۵۵		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
اصلاح طلبی	۳۵	۵۵/۶	۵۴	۶۰	۵۴	۶۰	۵۲/۴	۵۴	۹	۳۲/۱	۱۵۲	۵۳/۵
حافظه کاری	۲۸	۴۴/۴	۳۶	۴۰	۴۹	۴۰	۴۷/۶	۴۹	۱۹	۶۷/۹	۱۳۲	۴۶/۵
جمع	۶۳	۱۰۰	۹۰	۱۰۰	۱۰۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۲۸	۱۰۰	۲۸۴	۱۰۰

آزمون آماری
کای اسکویئر

مقدار
۶/۸۱۷

درجه آزادی
۳

سطح معناداری
۰/۰۷۸

رابطه آماری بین دو متغیر سن و گرایش تأیید نشده است، لکن به طوری که در جدول فوق مشاهده می شود تجمع افراد دارای گرایش سیاسی اصلاح طلبی در سنین کم تر از ۴۶ سال و گرایش سیاسی محافظه کاری بالای ۴۶ سال است.

جدول شماره ۲-۲- رابطه گرایش سیاسی افراد با میزان تحصیلات آنان

تحصیلات گرایش سیاسی		دپلم و کم تر		فوق دیپلم و لیسانس		فوق لیسانس		دکتری		جمع	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اصلاح طلب		۸	۳۲	۳۷	۴۰/۷	۳۷	۵۰/۷	۶۹	۷۱/۹	۱۵۱	۵۳
محافظه کار		۱۷	۶۸	۵۴	۵۹/۳	۳۶	۴۹/۳	۲۷	۲۸/۱	۱۳۴	۴۷
جمع		۲۵	۱۰۰	۹۱	۱۰۰	۷۳	۱۰۰	۹۶	۱۰۰	۲۸۵	۱۰۰

سطح معناداری درجه آزادی مقدار آزمون آماری
۰/۰۰۰ ۳ ۲۳/۸۷۵ کای اسکور

در جدول فوق با استفاده از ارقام واقعی میزان تحصیلات افراد مورد بررسی با گرایش سیاسی آنان بررسی شده است. همان طور که مشاهده می شود، کسانی که دارای مدرک دیپلم و کم تر (حدود ۹ درصد از کل نمونه) هستند، ۳۲ درصد دارای گرایش سیاسی اصلاح طلبی و ۶۸ درصد دارای گرایش محافظه کاری هستند. در رده بالاتر، یعنی افراد دارای دیپلم و لیسانس نیز ۴۰/۷ درصد را اصلاح طلبان و ۵۹/۳ درصد را محافظه کاران تشکیل می دهند. اما در سطوح بعدی وضعیت به گونه ای دیگر است. در سطح فوق لیسانس هر دو جناح از نوعی برابری تحصیلات برخوردارند (۴۹/۳ و ۵۰/۷). اما در سطوح دکتری که سطح ۴ حوزه یا درس خارج و اجتهاد را نیز شامل می شود، ۷۱/۹ درصد از جناح اصلاح طلب و ۲۸/۱ درصد از جناح محافظه کار هستند. چنان که مشاهده می شود هر دو جناح در سطح میانی تحصیلات تا حدی به هم

نزدیکند، ولی در سطوح پایین و بالا از یکدیگر فاصله می‌گیرند. درصد اصلاح‌طلبان در سطح دیپلم و پایین‌تر کاهش می‌یابد و درصد محافظه‌کاران در سطح دکتری فروتر می‌شود. بنابراین روند ارقام جدول حکایت از نوعی تفاوت بین این جناح از نظر میزان تحصیلات دارد.

آزمون آماری مربوط (X^2) نیز این تفاوت را معنادار دانسته است و وجود رابطه بین گرایش سیاسی و سطح تحصیلات را در سطح معناداری مطلوب تأیید می‌کند. در این جا به ذکر جداول تبیینی سن و تحصیلات بسنده، و جهت رعایت اختصار از بیان جداول تبیینی دیگر متغیرهای مفهوم پایگاه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی و تجربه سیاسی خودداری می‌شود. لذا از نظر تحلیل آماری در سطحی بالاتر به تحلیل رگرسیونی درباره متغیرهای فوق‌الذکر پرداخته می‌شود. در ابتدا در مورد مفهوم پایگاه اجتماعی باید گفت که این سازه جامعه‌شناختی که از متغیرهای تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی تشکیل می‌شود با استفاده از تکنیک خاص کامپیوتری با متغیر وابسته در ارتباط گذاشته شد که از نظر آماری معنادار شناخته نشد و همان طور که قبلاً آمد از بین این سه متغیر فقط متغیر تحصیلات دارای رابطه معنادار با متغیر وابسته بود. عدم معناداری رابطه پایگاه اجتماعی با گرایش سیاسی در متن اجتماعی ایران جای تحلیل نظری دارد که بعداً به آن اشاره می‌شود. اما

(۱) شاخص‌های آماری تحلیل رگرسیونی متغیر وابسته بر متغیر تحصیلات بدین

شرح است:

$$B = ۱/۳۵ \quad \text{sig.} = ۰/۰۰۰ \quad F = ۲۲/۲ \quad R^2 = ۰/۰۷ \quad R = ۰/۲۷$$

$$\text{std. Error} = ۰/۲۸ \quad \text{Beta} = ۰/۲۷ \quad a = ۶۰/۵$$

بدین ترتیب، هرچه در جمعیت نمونه، تحصیلات بالاتر می‌رود، گرایش به جناح سیاسی اصلاح‌طلب نیز (با ضریب ۱/۳۵) بیش‌تر می‌شود.

(۲) شاخص‌های رگرسیون متغیر وابسته بر متغیر جامعه‌پذیری سیاسی بدین شرح

است:

$$B = ۱/۵ \quad \text{sig.} = ۰/۰۰۰ \quad F = ۲۲/۲ \quad R^2 = ۰/۰۷ \quad R = ۰/۲۷$$

$$\text{std.Error} = ۰/۳۱ \quad \text{Beta} = ۰/۲۷ \quad a = ۶۰/۲$$

بدین ترتیب، هر چه جامعه‌پذیری سیاسی سنتی‌تر می‌شود، گرایش سیاسی را به سوی جناح سیاسی محافظه‌کار (با ضریب ۱/۵) نشان می‌دهد.

رابطه علی متغیرهای فرعی دیگر که سازه جامعه‌شناختی کلان جامعه‌پذیری سیاسی را تشکیل می‌دهند، مانند محیط‌های تعلق، مکان‌های انس، و منابع مورد مطالعه، به طور مجزا با متغیر وابسته سنجیده شده همگی در سطح ۰/۰۰۰ معنادار بوده‌اند که از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود.

۳) شاخص‌های رگرسیون گرایش سیاسی بر متغیر تجربه سیاسی عبارتند از:

$$B = -۰/۶۳ \quad \text{sig.} = ۰/۰۰۰ \quad F = ۶/۶ \quad R^2 = ۰/۰۲ \quad R = ۰/۱۵$$

$$\text{std.Error} = ۰/۳۱ \quad \text{Beta} = -۰/۱۵ \quad a = ۸۹$$

بر این اساس، می‌توان گفت که در بین جمعیت نمونه هر چه تجربه سیاسی (که منظور، طول سال‌های فعالیت سیاسی و تشکیلاتی است) بیش‌تر باشد، گرایش به جناح سیاسی محافظه‌کار (با ضریب ۰/۶۳) بیش‌تر می‌شود.

در بخش تحلیل رگرسیون چند متغیری ضریب همبستگی چندگانه (R) برابر با ۰/۴۳ و ضریب تعیین (R^2) نیز ۱۸/۵ درصد محاسبه گردید. این رابطه‌ها در سطح معناداری ۰/۰۰۰ در آزمون F تأیید شده است.

همچنین معادله رگرسیون خطی متغیر وابسته بر متغیرهای مستقلی که رابطه آن‌ها معنادار شناخته شده است، با ترکیب خطی $Y = a + b_1x_1 + b_2x_2 + b_3x_3$ عبارتند از: (تجربه سیاسی) $-۱/۰۶$ (جامعه‌پذیری سیاسی) $+۱/۵$ (تحصیلات) $+۵/۱۷$ $+۶۷/۶$ = گرایش سیاسی که با تفسیری که قبلاً در مورد هر یک از متغیرهای مستقل آمد، به صورت ترکیب خطی چندمتغیره قابل تحلیل خواهد بود.

وزن بتا: سهم و وزن هر یک از متغیرهای مؤثر در متغیر وابسته نیز از طریق تبدیل داده‌ها به ارقام استاندارد و ضرایب بتا مشخص و در قالب فرمول چند متغیری

مسیرهای مختلف با ضریب‌های مربوط در مدل مشاهده می‌شود و گویای تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای چندگانه بر متغیر وابسته است لذا از توضیح بیشتر خودداری می‌شود.

نتیجه‌گیری

۱- نتایج توصیفی و اکتشافی

بسیاری از فعالان سیاسی در احزاب و تشکل‌های رسمی کشور عضویت و فعالیت دارند و غالب نیروهای مؤثر در شکل‌گیری دو جناح سیاسی جامعه را همین افراد تشکیل می‌دهند. اکثریت افراد مورد بررسی در سنین میانسالی به سر می‌برند، به طوری که بیش از ۵۰ درصد آنان در سنین ۳۶ تا ۵۵ سال و ۱۰ درصد آنان در سنین ۵۵ تا ۷۵ سال قرار دارند. از نظر تحصیلات، اکثریت دارای تحصیلات سطح بالا هستند، به طوری که حدود ۴۰ درصد حدود لیسانس و ۶۰ درصد در سطح فوق لیسانس و بالاتر هستند. از نظر اقتصادی (درآمد) اکثریت افراد از سطوح متوسط به بالای جامعه هستند. غالباً دارای مشاغل مدیریتی دولتی، شرکتی و آموزشی هستند. کم‌تر از ۲۰٪ جمعیت نمونه را افراد روحانی تشکیل می‌دهند که عمدتاً در دو تشکل سیاسی مجمع روحانیون مبارز و مجمع مدرسان و محققان حوزه علمیه قم جمعند.

موضوع اکتشافی جالب توجه این که توزیع افراد نمونه طبق چک لیست (فهرست اسامی و تقسیم‌بندی متعارف در جامعه) و قبل از تحقیق میدانی، ۶۴٪ (۱۹۸ نفر) از جمعیت نمونه در جناح سیاسی اصلاح طلب و ۳۶٪ (۱۰۲ نفر) در جناح سیاسی محافظه کار قرار می‌گرفتند. اما پس از بررسی افراد جمعیت بر اساس نمره‌ای که از گویه‌های مربوط در پرسشنامه کسب کردند، توزیع آنان تغییر کرد به طوری که ۵۴٪ (۱۶۱ نفر) در جناح سیاسی اصلاح طلب و ۶۴٪ (۱۳۹ نفر) در جناح سیاسی محافظه کار قرار گرفتند. این تفاوت که در آزمون آماری مربوط (F) و در سطح مطلوب

(۰/۰۰۰) نیز معنادار شناخته شده، سیال بودن این جریان و قطعی نبودن آن را آشکار می‌کند. به عبارت دیگر افراد مورد بررسی با توجه به دو سر طیف (آی‌ده‌آل تایپ) ساخته شده در دو قطب متقابل جمع نشده‌اند بلکه روی طیف توزیع شده‌اند. می‌توان نحوه توزیع این افراد را روی طیف به صورت نمودار یک منحنی نرمال وارونه تصور نمود. به طوری که تعداد خاصی (حدود ۵۰٪ افراد) در دو سر طیف بطور تقریباً ثابت قرار گرفته‌اند و ۵۰٪ بقیه در دو چهارم میانی طیف در جریان و سیلان هستند.

حدود ۴۰ درصد از آنان قبل از انقلاب دارای سابقه مبارزاتی (کم و بیش) بوده‌اند. عموماً این افراد دارای زمینه‌های اجتماعی و مذهبی مشابهی هستند، ولی در بعضی از ابعاد فرهنگی زمینه‌های متفاوتی دارند. کسانی که متعلق به محیط‌های اجتماعی - فرهنگی سنتی‌تر هستند بیشتر گرایش سیاسی به جناح سیاسی محافظه‌کار (راست) دارند. فضای نزدیک و مکان‌های انس و الفت این افراد نیز سنتی‌تر است.

۲- نتایج تبیینی

الف - فرضیه رابطه بین پایگاه اجتماعی و گرایش به جناح‌های سیاسی تأیید نشد. با توجه به سوابق تجربی و نتایج این تحقیق، می‌توان گفت که در جامعه ایران، پایگاه اجتماعی که یک مفهوم اقتصادی - اجتماعی است، با گرایش‌های سیاسی رابطه معناداری ندارد. گرایش سیاسی به قشر بندی اجتماعی مربوط نمی‌شود، بلکه با عوامل اجتماعی و سیاسی دیگری چون عوامل ایدئولوژیکی، وابستگی‌های سیاسی یا خویشی یا هویت‌های صنفی مرتبط است.

ب - فرضیه مهم دیگر تحقیق، رابطه جامعه‌پذیری سیاسی و تعاملات اجتماعی افراد با گرایش سیاسی آنان بود که اثر آن در این تحقیق تأیید شد. با توجه به گستردگی تعریف نظری و عملی مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی که شامل کنش‌ها، نگرش‌ها و محیط‌های تعلق و تعاملات افراد می‌شود، از دیدگاه‌های مختلف نظری استفاده شد و

پس از تحقیق و تجربه مشخص گردید که بین متغیر جامعه‌پذیری سیاسی با گرایش سیاسی در سطح معناداری (۰/۰۰۰) همبستگی وجود دارد. همچنین فرضیه فوق‌الذکر مبنی بر این که هر چه جامعه‌پذیری و تعاملات اجتماعی مدرن‌تر گرایش سیاسی به جناح سیاسی محافظه‌کار کم‌تر، تأیید شد. میزان تأثیر و تبیین این متغیر در بخش قبلی آمد.

۳- یافته‌های نظری

الف- رویکرد تلفیق نظریه‌ها

حساسیت و پیچیدگی مسئله تحقیق ایجاب می‌کرد که برای شکل‌دهی چارچوب نظری تحقیق از نظریه‌های مختلف در جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی استفاده شود و مدل نظری و تحلیلی تحقیق با تلفیق این نظریه‌ها شکل گیرد.

ب- بی‌کارکردی پایگاه اجتماعی

از دیگر یافته‌های نظری تحقیق، بی‌کارکردی مفهوم پایگاه اجتماعی (به مفهوم قشربندی اجتماعی آن) در تبیین گرایش‌های سیاسی جامعه آماری است. بر خلاف دیدگاه جامعه‌شناختی مارکسیستی که پایگاه اجتماعی و شرایط اقتصادی - اجتماعی مبین نوع ایدئولوژی و گرایش سیاسی است، در این تحقیق که متعلق به جامعه ایران است، نشانی از این مکانیسم مشاهده نشد، بلکه عوامل و شرایط تعیین‌کننده دیگری مانند نظام‌های شخصیتی و وابستگی‌های سیاسی پدیدار شدند. بنابراین تجربه نظری و عملی به نظر می‌رسد لازم است در مفهوم سازی برای پایگاه اجتماعی در ایران به دو متغیر یا شاخص وابستگی سیاسی و هویت صنفی توجه اکید شود.

۴- یافته‌های عملی و پیشنهاد

الف: اصل موضوع جناح‌های چپ و راست بررسی و مشخص شد که این اصطلاحات کاربرد عملی دارد و مشخصات تاریخی منتسب به آنها تا حدودی در

مورد ایران هم در عمل و با صبغه‌ای دیگر دیده می‌شود. علت دیرپایی و تداوم این دو اصطلاح در متون و ادبیات علمی و صحنه‌های عملی سیاسی، جاافتادگی، و تثبیت معنایی و کاربردی آن‌ها است. مثلاً همراهی چپ با تغییر و راست با ثبات جاافتاده و همه‌جایی است. «چپ (یا در امریکا لیبرال‌ها) نوعاً از دگرگونی دفاع می‌کنند، در حالی که راست با آن مخالف است. مطلوبیت مفهوم راست - چپ به این دلیل دوام آورده که در طول سال‌ها و از یک محیط به محیط دیگر برخوردهای عمده سیاسی در اکثر موارد بازتاب تضاد میان این دو [تغییر خواه - اطلاع طلب با ثبات خواه - محافظه کار] بوده است. مفهوم چپ و راست به اندازه‌ای عمومیت دارد که معمولاً می‌توان مسایل جدید را با چارچوب آن انطباق داد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۳۱). لذا این تلقی که مفهوم چپ و راست، خاص کشورهای غربی است و در جامعه ایران عملاً کاربرد ندارد، نادرست است.

ب: در این وضعیت انتقالی که ساختارهای جامعه، به خصوص در عرصه سیاست و فرهنگ از حالت سنتی بیرون آمده و مانند جامعه امروزی ما دارای یک حیات دوارزشی شده، این خلجان بین ارزش‌های مدرن غربی از یک طرف و ارزش‌های بومی - سنتی از طرف دیگر در مرحله اول بین نخبگان سیاسی و سپس در سایر قشرها منجر به نوعی نوسان و سیلان فکری و عملی می‌شود. ملغمه‌ای به وجود آمده است که نه این (سنت) است و نه آن (مدرنیته). جناح‌های سیاسی موجود نیز تا حدی نماینده فکری و عملی این دو ساختار تفکر و برخورد عملی و اجتماعی این دو ساختار هستند. ج: در حوزه فعالیت حزبی، دو ساختار و آثار فوق‌الذکر برخورد علنی تری دارند. ساختار ترکیبی ناشی از این برخورد عینی‌تر است. فعالیت حزبی و گردش نخبگان از طریق آن، موضوعی جدید برای جامعه سنتی ایران و آمده از غرب است. بنابراین، جان‌فِتادگی فرهنگ حزبی و آشنا نبودن نخبگان سیاسی با این پدیده مدرن غربی موجب بروز تنش‌ها و ایجاد بحران‌های سیاسی - اجتماعی می‌شود. لذا باید با تحمل و تدبیر این مرحله را پشت سر گذاشت.

د: شرایط فعالیت فعالان حزبی جامعه ایران که همان نخبگان سیاسی حزبی هستند، شرایطی است که در یک جامعه در حال گذار به شرایط مدرن تحمیلی یا تحقیقی جدید صورت می‌گیرد. تا این فعالان و نخبگان خود را (به تعبیر هابرماس) در یک خودآگاهی جدید بینند نیاز به یک گسست و کارزار دارد. «اصطلاح مدرن برای بیان خودآگاهی یک عصر جدید به کار برده شده است. مدرن اکنون، در این آگاهی جدید در آن جا که یکسره خود را به روی آینده بازگشوده است در مقابل کهنه قرار می‌گیرد» (هابرماس، ۱۳۸۰: ۱۸۹).

بنابراین و بنابر نتیجه‌گیری‌های فوق، فعالیت حزبی فعالان حزبی جامعه ما، در شرایطی صورت می‌گیرد که حزب و فعالیت حزبی به معنای واقعی و غربی آن شکل نگرفته و به دلیل عدم رشد سیاسی لازم و کافی بین تشکلهای سیاسی موجود، بسیاری از احزاب و تشکلهای موجود به شبه حزب یا گروه‌های فشار نزدیک‌ترند تا حزب سیاسی. همچنین برخی از فعالان سیاسی امروز که در قالب تشکلهای سیاسی موجود فعالیت می‌کنند از فلسفه فعالیت سیاسی آگاهی ندارند. برخی نیز حزب و تشکل سیاسی را با بنگاه اقتصادی و تجاری عوض کرده‌اند. یا به عنوان تفنن به سوی کار حزبی و سیاسی روی آورده‌اند. چنان‌که ماکس وبر می‌گوید: «به دو شیوه می‌توان به کار سیاسی پرداخت: زندگی برای سیاست یا زندگی از قِبل سیاست» (وبر، ۱۳۶۸: ۱۱۶). همان‌طور که گفته آمد، بعضی از مشارکت‌کنندگان در امور سیاسی از قِبل سیاست به دنیای خود می‌رسند و با کسب اسم و رسم دنیای خود را آباد می‌کنند. نه این‌که برای سیاست کار کنند و هم و غم خود را برای پیشرفت سیاست، گسترش فضای تفکر سیاسی و آموزش سیاسی بگذارند. و این‌ها نکاتی است که باید مورد توجه سردمداران سیاسی جامعه به ویژه سازمان‌های مربوط به ساماندهی امور احزاب مانند وزات کشور یا خانه احزاب قرار گیرد.

از نظر تحقیقات علمی توصیه می‌شود در تحقیقات بعدی اعمال روش پژوهشی پیمایشی برای سنجش نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی، به ویژه بین فعالان و نخبگان

سیاسی بیش‌تر به کار گرفته شود. همچنین لازم به نظر می‌رسد روش‌های کیفی با این روش همراه شود تا نتایج معتبرتر علمی به دست آید.

منابع

- آشوری، داریوش. *دانشنامه سیاسی*. تهران: مروارید: چاپ ششم، ۱۳۷۹.
- اینگهارت، رونالد. *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: کیما، ۱۳۷۳.
- بایبو، نوربرتو. *چپ و راست، یک تکفیک سیاسی*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: علم و ادب، ۱۳۷۹.
- باتومورتی. بی. *نخبگان و جامعه*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: دانشگاه، ۱۳۶۹.
- بشیریه، حسین. «از محافظه‌کاری تا هرمنوتیک و پست مدرنیسم»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*. سال دوازدهم، شماره هفتم و هشتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷.
- بشیریه، حسین. *دانش سیاسی*. تهران: مؤسسه نگاه معاصر، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
- بیرو، آلن. *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- پای، لوسین و دیگران. *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*. ترجمه غلامرضا خواجه سروی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.
- بلی‌لاک. *مقدمه‌ای به تحقیقات اجتماعی*. ترجمه ابراهیم پاشا. تهران: سمت، ۱۳۷۲.
- پیوزی، مایکل. *یورگن هابرماس*. ترجمه احمد تدین، تهران: قومس، ۱۳۷۹.
- توسلی، غلامعباس. *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سمت، ۱۳۶۹.
- دواس، دی. ا. *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نی، ۱۳۷۶.
- دو ورژه، موریس. *جامعه‌شناسی سیاسی*. ترجمه ابوالفضل قاضی. تهران: دانشگاه

تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.

- ذکریایی، محمدعلی. تحلیل جامعه‌شناختی مواضع جناح‌های سیاسی نسبت به جامعه مدنی. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰.

- راش، مایکل. جامعه و سیاست. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت، ۱۳۷۷.

- سیف‌زاده، سید حسین. نظریه‌های جدید علم سیاست. تهران: دادگستر، ۱۳۷۹.

- ظریفی‌نیا، حمیدرضا. کالبد شکافی جناح‌های سیاسی ایران. تهران: آزادی اندیشه، ۱۳۷۸.

- عبدالمهی، محمد. «زنان و نهادهای مدنی»، مجله جامعه‌شناسی ایران. انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳.

- غلامرضا کاشی، محمدجواد. جادوی گفتار. تهران: مؤسسه فرهنگی آینده‌پویان، ۱۳۷۹.

- قوام، عبدالعلی. «درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی»، نامه علوم اجتماعی. جلد دوم، شماره ۱، دانشگاه تهران: صص ۲۲۷-۲۳۶، زمستان ۱۳۶۹.

- کرلینجر، فرد، ان. مبانی پژوهش در علوم رفتاری. ج ۲، تهران: آوای نور، ۱۳۷۶.

- کلاینبِرگ، اتو. روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: اندیشه،

چاپ نهم، ۱۳۶۸.

- کلاین، پل. راهنمای آسان تحلیل عاملی. ترجمه سید جلال صدرالسادات و اصغر

مینایی. تهران: سمت، ۱۳۸۰.

- کلودتایپا و دیگران. درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه مرتضی کتبی.

تهران: نی، ۱۳۷۹.

- کمالی، علی‌اکبر. مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی،

۱۳۷۰.

- گیدنز، آنتونی. سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر

صبوری. تهران: نی، ۱۳۷۸.

- گیدنز، آنتونی. *فراسوی چپ و راست*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی، ۱۳۸۲.
- مهرداد، هرمز. *جامعه‌پذیری سیاسی*. تهران: پازنگ، ۱۳۷۶.
- وبر، ماکس. *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*. مترجم انگلیسی: تالکوت پارسونز. مترجم فارسی: عبدالمبعود انصاری. تهران: سمت، ۱۳۷۱.
- وبر، ماکس. *دانشمند و سیاستمدار*. ترجمه احمد نقیب‌زاده. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- هابرماس، یورگن. *جهانی‌شدن و آینده دموکراسی*. ترجمه کمال پولادی. تهران: مرکز، ۱۳۸۰.
- هودشتیان، عطا. *مدرنیته، جهانی‌شدن و ایران*. تهران: چاپخش، ۱۳۸۱.
- هی‌وود، اندرو. *ایدئولوژی‌های سیاسی*. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۷۹.

- Adib, M. H. *Pathology of Iranian Civil Movement*. Available in Yahoo Web, 2003.

- Apter, David. *An Introduction to Political Analysis*. New Dehli: Prentice Hall, 1981.

- Devaus, D. A. *Survey in Social Research*. London: USL Press, 1991.

- Giddens, Antony. *Living in a Post-Traditional Society*. Cambridge: Polity Press, 1994.

- Greenstein, Fred "Political Socialization" In *International Encyclopedia*. 1968.

- Habermas, Jorgen. *The Theory of Communicative Action*. Vol.1: Reason and the Rationalization of Society, Translated by Thomas McCarthy, Cambridge: Polity Press, 1995.

- Haralambos M. & Holborn. *Sociology*, Harper Collins Publishers, 1991.
- Hon Erich T. *Conservatism*. London: Penguin, 1991.
- Huntington S. *Political Order in Changing Societies*. Yale University Presses, 1968.
- Hyman, H. *Secondary Analysis Sample Surveys*. New York: Wily, 1972.
- Parsons, Tallcot, et al. *Theories of Society*. New York: Macmillan Publishing Co, 1965.
- Ritzer, George. *Contemporary Sociological Theory*. NewYork, Alfred A. Knopf Publishers, 1988.
- Tilly, Charles. *Form Mobilization to Revolution*. The University of Michigan: Addison Wesley Publishing Company, 1978.